

## بررسی گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه (مورد مطالعه شهر کرمان)

دکتر محمدحسن مقدس جعفری \*

بتول خواجویی زاده \*\*

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۱۹

### چکیده

تا قبل از دهه ۷۰ میلادی در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و باورها و ارزشهای فرهنگی جایگاهی در خور توجه نداشت و عوامل اقتصادی، عمده‌ترین مباحث توسعه را تشکیل می‌داد. تنها در چند دهه اخیر است که به طور جدی نقش ارزشها و نگرشها در فرایند توسعه جوامع، مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. این مقاله بخشی از پژوهشی است که به بررسی عوامل مرتبط با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه در شهر کرمان می‌پردازد به گونه‌ای که در ابتدا گرایش به این باورها بررسی شده و سپس عوامل مرتبط با این باورها مورد پژوهش قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری شامل تمام افراد ۱۹ سال به بالای ساکن شهر کرمان است و گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که گرایش افراد به باورها (تقدیرگرایی، دنیاگرایی، آینده‌نگری، علم‌گرایی، خاص‌گرایی و برنامه‌ریزی) در حد متوسط است و عوامل سن، تحصیلات، شغل، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت با گرایش افراد به باورهای فرهنگی‌ای که مانع توسعه به شمار می‌رود، مرتبط است.

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر  
\*\* کارشناسی ارشد علوم اجتماعی- جامعه‌شناسی

واژگان کلیدی: فرهنگ و توسعه، موانع توسعه شهری، باورهای فرهنگی مردم، مردم کرمان.

طبقه بندی JEL: O17, Z13

### مقدمه

فرهنگ مفهوم پیچیده‌ای است که تعاریف متعدد و گوناگونی از آن ارائه شده است. برای مدتها «فرهنگ» به مجموعه‌ای از فعالیتهای فکری و هنری محدود می‌شد و سپس تعریف نسبتاً جامع و تا حدی دقیق از فرهنگ ارائه شد، اما با وجود این تعریف، صرفاً به جنبه‌های معنوی مسئله پرداخته شده بود.

طبق تعریف کنفرانس جهانی فرهنگ و توسعه، فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزله بافتی پیچیده و با روابطی متقابل در نظر گرفت که مجموعه‌ای از سنتها و دانشها و نیز شکلهای متفاوت بیان و تحقق فرد در درون جامعه استوار است.

با ویژگیهایی که این تعریف برای فرهنگ جامعه یا فرهنگ گروه اجتماعی تعیین می‌کند، دیگر نمی‌توان فرهنگ را بعد فرعی یا تزینی توسعه تلقی کرد، بلکه فرهنگ عنصر ضروری جامعه به شمار می‌آید و در رابطه کلی با توسعه، نیروی درونی جامعه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، امروزه توسعه دارای ابعاد بسیار متفاوت و گوناگونی است که مورد توجه تمامی کشورها و جوامع قرار دارد و در افکار صاحبان توسعه، تعبیر مختلفی از آن هست که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۳) به گونه‌ای که لیو ویگوتسکی (Lev Vygotsky's) معتقد است، فرایند توسعه از زمان پیدایش جوامع آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد مگر اینکه جامعه‌ای نابود شود (M.Riddle, 1999).

تحلیل توسعه بر اساس ارزشهای فرهنگی و تحلیل عقب ماندگی کشورها بر اساس معیارهای ذهنی و فرهنگی به سالهای بعد از جنگ دوم جهانی برمی گردد. در خلال چند دهه اخیر، تحلیلهای عمیقی در این زمینه صورت گرفته است.

اینکلس و اسمیت نقطه شروع تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان، و انسان نوین را فراهم کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می دانند و برای او ویژگیها و معیارهایی را برمی شمردند. اینکلس می گوید که «ویژگی برجسته انسان نو دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگر خارجی؛ یکی به محیط وی مربوط می شود و دیگری به وجه نظرها، ارزشها و احساسات او». آنها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، آموزش و پرورش، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می بینند؛ به عبارت دیگر پژوهشهای انجام شده توسط اینکلس و اسمیت نشان می دهد که منشأ شهری داشتن (متولد شهر) و تعداد سالهایی که فرد در شهر زندگی می کند و در معرض زندگی شهری قرار داشتن با امتیاز مدرنیته افراد ارتباط قوی دارد (Inkeles, 1974). آنان برای معیارهای درونی در خصوص انسان نو و پیشرفته به ویژگیها و معیارهای زیر توجه دارند؛ استعداد او برای ابداع و تغییر، آینده‌نگری، برنامه‌ریزی، اعتقاد به علم و فناوری، احترام به برابری و باورهای آزاد و توجه به تنوع عقاید و قابل محاسبه دانستن جهان (از کیا، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

از سوی دیگر به نظر راجرز تغییر چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد و شیوع به معنای فرایندی است که اندیشه و نظری نو از منبعی منتشر می‌شود و گسترش می‌یابد و قبول هر اندیشه به معنای تصمیم به تحقق بخشیدن کامل آن است. به نظر او فرایند قبول هر اندیشه نو، که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیم‌گیری درباره آن است در پنج مرحله عینیت می‌یابد:

آگاهی، علاقه، ارزشیابی، آزمایش و قبول اندیشه نو

به نظر او معمولاً افرادی که خیلی زود تغییر یا روش جدیدی را می‌پذیرند از دیگران جواترند؛ پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند.

به نظر راجرز، عناصر خرده فرهنگ دهقانی، عناصری است که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شود و به تعبیری مانع تجدد و نوسازی است. این عناصر عبارت است از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، نبودن نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آینده، عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان، خانواده گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی گرایی و نبودن همدلی (از کیا، ۱۳۷۹: ۱۱۵).

به نظر لرنر ورود عناصر و ساختارهایی که حامل نوسازی است و در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسانها برای نو شدن مؤثر است، عبارت است از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت (از کیا، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

متغیرهای الگویی پارسونز نیز دو شیوه متفاوت جهت گرایی ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند؛ به عبارتی این متغیرها دلالت بر الگوهای ارزشی متفاوت حاکم بر رفتار فرد در ارتباط با دیگران دارد. به نظر پارسونز متغیرهای الگویی، واقع‌تپایی است که جنبه عمومی و جهانی دارد و نشانگر تأثیر ویژگیهای ساختی هر نظام اجتماعی بر رفتار فرد است. با استفاده از این طبقه‌بندی، فهم ماهیت جوامع متفاوت امکانپذیر خواهد بود؛ چون هر جامعه، مجموعه ارزشهای متفاوتی خواهد داشت. پارسونز این طبقه‌بندی را به وجود آورده است و آن را متغیرهای الگویی می‌نامد که عبارت است از:

الف) محرک عمل در مورد با نقش

ب) معیار ارزشی محتوای نقش

ج) ارزشیابی ایفاگر نقش

د) حدود نقش

از سوی دیگر، نیل اسملسر (Neil Smelser) نیز معتقد است که برخی از ارزشها توسعه را تشویق می‌کند و برخی دیگر مانع توسعه می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

برت هوزلیتز (Burt hazlitts) عوامل فرهنگی و روانشناختی را در عدم دستیابی جهان سوم به توسعه مؤثر می‌داند و اشاره می‌کند که این مردم خرافاتی، محافظه کار و منفعل هستند (ابراهیمی و پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۹۶). طبق این نظریه اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند به درجه‌ای از توسعه برسند، باید متغیرهای انگاره‌ای توسعه نیافتگی (خاص گرای، جهتگیری انتسابی و عدم تفکیک کارکردها) را ترک، و متغیرهای انگاره‌ای توسعه یافتگی را جایگزین کنند (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

با توجه به این مطالب، توسعه قبل از اینکه نمودی بر بهبود تولید و دگرگونی در نهادهای اقتصادی و سطح زندگی مادی انسان داشته باشد، باید متحول کننده تفکر خود انسان باشد؛ به عبارت دیگر، تحول فکری در فرایند توسعه به تحول مادی تقدم دارد. عناصر فرهنگی و ذهنی هر جامعه‌ای عامل رشد و توسعه آن جامعه به شمار می‌رود؛ چرا که توسعه نیازمند مردمی با انگیزه‌های لازم و با سطح عقلانیت و رشد علمی و فرهنگی قوی است.

دلایل اساسی و مهمی که ضرورت چنین پژوهشی را ایجاب کرد، وجود عواملی چون تقدیرگرایی، سنت پرستی، خاص گرایی و ... است که طبق نتایج پژوهش محققان، این ویژگیها مهمترین بخش ویژگی‌های شخصیت ایرانی را به خود اختصاص داده است؛ هم چنین عواملی چون:

- اهمیت و ضرورت «توسعه و پیشرفت بشری» بویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران

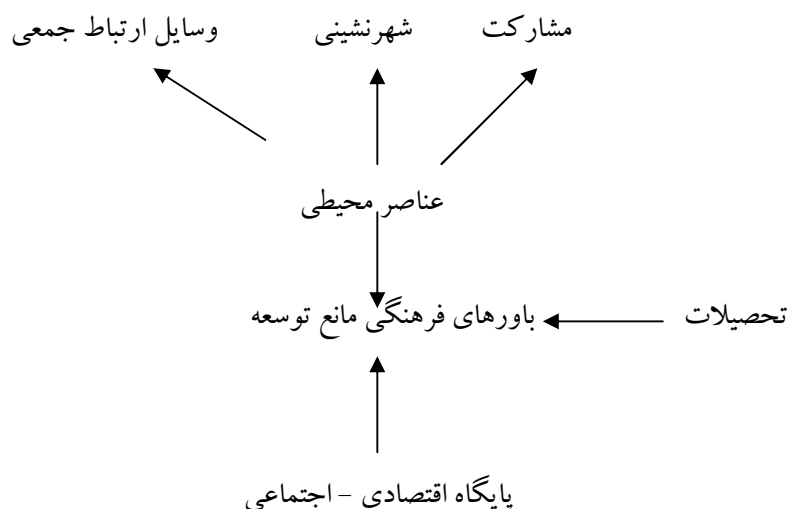
- مهم شمردن نقش باورها و نگرشهای فرهنگی در زمینه توسعه به گونه‌ای که گالبرایت معتقد است الزامهای نظام صنعتی در مقایسه با الزامهای امور معنوی و ذهنی باید در رده دوم قرار بگیرد (ژیرار، ۱۳۷۲: ۲۴۹). پس با توجه به نظر گالبرایت، می‌توان نقش و اهمیت عوامل فکری و ذهنی را در روند توسعه ارزیابی کرد.

با توجه به این مفروضات و اینکه در جامعه ما کارهای تحقیقی اندکی در این زمینه انجام شده (به خصوص در شهر کرمان)، ضرورت چنین پژوهشی بیش از پیش احساس و

اهمیت آن برای جامعه ما آشکار می‌شود. این چنین تحقیقاتی می‌تواند سنت نقد علمی و نظری را در جوامع دانشگاهی و محافل علمی باز نماید تا با انتقاد سازنده و مثبت و خلاق، موانع توسعه بویژه موانع فرهنگی آن برطرف شود.

هدف از این پژوهش بررسی میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه در شهر کرمان و عوامل مرتبط با آن است.

در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که نتایج تحقیق می‌تواند مورد استفاده سازمانها و مدیران، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان سازمانها، تمام پژوهشگران علوم اجتماعی و تمامی برنامه‌ریزان توسعه منابع انسانی و فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد. بر اساس نظریات صاحب‌نظران و نتایج تحقیقات، الگوی نظری این پژوهش به شکل زیر ارائه می‌شود.



### فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق

- ۱- بین سن و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین تحصیلات فرد و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، رابطه هست.

- ۳- بین نوع شغل و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه رابطه وجود دارد.
- ۴- بین درآمد پاسخگو و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، رابطه هست.
- ۵- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی پاسخگو و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، رابطه هست.
- ۷- بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، رابطه وجود دارد.
- ۹- میزان گرایش به باورهای فرهنگی در ابعاد تقدیرگرایی، دنیاگرایی، علم‌گرایی، آینده‌نگری، خاص‌گرایی و برنامه‌ریزی چگونه است؟
- ۱۰- میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه در کل چگونه است؟

## روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. قابل ذکر است که برای تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش با توجه به مرور منابع و تحقیقات پیشین از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش، زنان و مردان ساکن کرمان ۱۹ سال به بالا است که تعداد این افراد بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ و بنا بر اسناد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان ۳۱۱۸۰۲ نفر است.

در این تحقیق مطابق با فرمول کوکران ۳۶۷ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد که به منظور افزایش قدرت تعمیم دهی تعداد ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شد.

برای انتخاب نمونه، روشهای مختلفی هست. با توجه به اینکه نمونه‌ها باید از میان مناطق مختلف انتخاب شوند، روش نمونه‌گیری مناسب در این تحقیق به صورت سهمیه‌ای،

تصادفی منظم، طبقه‌بندی و تصادفی ساده است. به این ترتیب که ابتدا ۳۹ بلوک بر اساس تعداد بلوک هر منطقه و به تناسب کل بلوکهای آن منطقه بین مناطق تقسیم شد (سه‌میه هر منطقه). سپس تعداد بلوک نمونه مشخص شده برای هر منطقه به صورت تصادفی نظام‌مند انتخاب شد. در مرحله سوم بلوکها از نظر تعداد جمعیت مشخص شده برای نمونه در طبقات سنی، جنسی و سواد طبقه‌بندی، و معلوم شد از هر بلوک چه تعداد نمونه و در چه طبقات جنسی و سنی و سواد در حجم نمونه قرار بگیرند و در نهایت از افراد بلوکها (۱۹ سال به بالا) به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده، که بین خانوارهای موجود در بلوک انجام شد، خواسته شد که به پرسشنامه پاسخ دهند.

## نتایج

برای سنجش گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه از شاخصهای تقدیرگرایی، دنیا‌گریزی، علم‌گرایی، آینده‌نگری، خاص‌گرایی و برنامه‌ریزی با ۳۳ گویه استفاده شده و حداقل و حداکثر این آماره (۱۵۱-۴۹) به دست آمده است. اما میانگین ۸۵/۲۵ است که میانگین متوسطی را در شاخص مورد بررسی نشان می‌دهد. هم‌چنین میان ۸۴ و نما نیز در نقطه ۸۲ قرار گرفته است و نزدیکی این سه آماره نشان از توزیع نزدیک به نرمال دارد.

با توجه به جدول شماره ۱، بررسی شاخص باورهای فرهنگی به تفکیک ابعاد نشان می‌دهد در تمامی شاخصهای مربوط به سنجش باورهای فرهنگی، تراکم جمعیت نمونه در گرایش به باورها در حد متوسط و بالا، و تنها در شاخص علم‌گرایی ۳۵ درصد دارای علم‌گرایی کم، ۳۴/۸ درصد علم‌گرایی در حد متوسط، ۳۰/۸ درصد نیز دارای علم‌گرایی در حد زیاد است؛ اما در شاخصهای دیگر تراکم روی گزینه‌های و متوسط گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه است.

۳۵/۸ درصد افراد گرایش زیادی به تقدیرگرایی و ۳۵/۵ درصد آنها گرایش کمی به باور تقدیرگرایی دارند. به لحاظ شاخص دنیا‌گریزی، ۳۴ درصد افراد مورد مطالعه دارای روحیه قوی دنیا‌گریزی و ۲۷/۳ درصد گرایش کمی به دنیا‌گریزی دارند. از نظر آینده‌نگری، ۳۱/۸ درصد در حد ضعیفی قرار دارند و بقیه در حد متوسط یا زیاد قرار دارند. از



نظر شاخص خاص گرایی، ۳۹ درصد در حد متوسط و ۳۰ درصد در حد زیاد قرار دارند. حدود ۳۵/۲ درصد جامعه مورد مطالعه دارای گرایش به برنامه‌ریزی در حد متوسط هستند و ۳۳ درصد نیز حد زیادی دارند.

نمره‌های کسب شده در هر یک از جهت‌گیریهای مربوط به شاخص در جدول توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب شاخصهای مربوط به تفکیک نوع جهت‌گیری به طور کامل ارائه شده است.

جدول شماره ۱

نوع جهت گیری	کم	متوسط	زیاد	فاصله گویه ها	میانگین	میانه
تقدیرگرایی	۳۵/۵	۲۸/۸	۳۵/۸	۷-۲۹	۱۴/۳۸	۱۴
دنیاگریزی	۲۷/۳	۳۸/۸	۳۴	۷-۵۱	۱۶/۳۰	۱۶
آینده‌نگری	۳۱/۸	۳۸/۸	۳۰	۷-۲۹	۱۱/۲۸	۱۱
علم گرایی	۳۵	۳۴/۳	۳۰/۸	۶-۳۰	۱۳/۰۴	۱۳
خاص گرایی	۳۷/۵	۳۹	۳۳/۵	۸-۷۸	۱۹/۳	۱۹
برنامه‌ریزی	۳۲	۳۵/۲	۳۳	۵-۲۵	۱۱/۱۰	۱۱
شاخص کل	۳۲/۳	۳۴/۸	۳۳	۴۹-۱۵۱	۸۵/۲۵	۸۴

نتایج با توجه به جدول نشان می‌دهد که به طور کلی ۳۴/۸ درصد افراد جامعه مورد مطالعه دارای باورهای فرهنگی مانع توسعه متوسطی هستند در صورتی که افرادی دارای باورهای فرهنگی مانع توسعه زیادی هستند نیز در نظر بگیریم، ملاحظه می‌شود ۶۷/۸ درصد دارای باورهای فرهنگی مانع توسعه هستند.

در این قسمت نتایج آزمون هر یک از فرضیه‌های مطرح شده بیان می‌شود. جدول شماره ۲ عبارت است از عوامل مؤثر بر باورهای فرهنگی مانع توسعه، نوع آزمونی که به منظور تأیید یا رد فرضیه‌ها به کار گرفته شده و نتیجه‌ای که از آزمون به دست آمده است.

جدول شماره ۲

عوامل مؤثر	نوع آزمون	نتیجه
سن	پیرسون	رابطه دارد
تحصیلات	گاما و کندال	رابطه دارد
نوع شغل	کرامر	رابطه دارد
درآمد	پیرسون	رابطه ندارد
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	گاما و کندال	رابطه دارد
وسایل ارتباط جمعی	پیرسون	رابطه ندارد
مشارکت	پیرسون	رابطه دارد

با توجه به نتایج جدول نتیجه هر فرضیه بدین صورت است:

برای اثبات فرضیه سن و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که در مورد رده‌های مختلف سنی و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، سطح معنی‌داری ۰/۰۴۶ به دست آمد و چون این سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری مورد قبول یعنی ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه فوق تأیید می‌شود. در نتیجه با اتکا بر چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت معمولاً افرادی که خیلی زود تغییر یا روش جدیدی را می‌پذیرند از دیگران جوانتر هستند.

از نکات مورد توافق در بیشتر نظریه‌های مورد بحث، رابطه میزان سواد و تحصیلات با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه است. این رابطه با ضرایب توافقی گاما و کندال محاسبه، و با سطح معناداری (P=0/000) تأیید شده است به این معنی که با افزایش میزان تحصیلات، میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه کمتر می‌شود. بر این اساس انتظار می‌رود افرادی که سطح بالاتری از تحصیلات دارند از میزان بیشتری از نوگرایی برخوردار باشند.

در بیشتر نظریه‌های مورد بحث، رابطه نوع شغل با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه از نکات مورد توافق است. این رابطه با ضرایب توافقی گاما و کندال محاسبه، و با سطح معناداری (P=۰/۰۲۴) تأیید شده است که طبق چارچوب نظری موقعیت اجتماعی و به تبع آن شغل افراد، نقش بسیار برجسته‌ای را در جریان نوسازی ایفا می‌کند.

برای اثبات فرضیه میزان درآمد و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که در مورد رابطه درآمد و میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، سطح معنی داری ۰/۰۹۳ به دست آمد و چون این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد قبول یعنی ۰/۰۵ بیشتر است در نتیجه فرضیه فوق تأیید نمی‌شود.

متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی از طریق ارتباطی که با فراهم کردن تسهیلات و امکانات رفاهی دارد و نیز رابطه آن با سطح تحصیلات و چگونگی استفاده از مزایا و امکانات رفاهی می‌تواند با چگونگی نوگرایی افراد رابطه داشته باشد. طبق ضرایب توافقی گاما و کندال محاسبه شده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه فرد با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۴) دارای رابطه معنی دار و مستقیم است. به این ترتیب با بالا رفتن پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد، امکان وجود گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه در وی کمتر می‌شود. در واقع، این تا حدودی تأیید کننده نظریه اورت راجرز است که معتقد است معمولاً افرادی که خیلی زود تغییر یا روش جدیدی را می‌پذیرند پایگاه اجتماعی بالاتری دارند؛ به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد از متغیرهای تعیین کننده در میزان دسترسی فرد به امکانات مادی و فرهنگی است. بنابراین با دسترسی بیشتر به این امکانات که حاصل بالا رفتن طبقه اجتماعی فرد است، انتظار می‌رود میزان نوگرایی فرد در سطح بالاتری قرار گیرد.

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه جمعیت نمونه مورد بررسی رابطه معناداری ندارد. با این حال با این استدلال که وسایل ارتباطی گوناگون به لحاظ کیفیت و نوع ارائه برنامه‌های ملی یا بین‌المللی می‌تواند تأثیرات گوناگونی بر افراد بگذارد، رابطه بین هر یک از این وسایل و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه بررسی شده است.

تنها استفاده از کتاب و مجله با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه افراد ارتباط معنادار نشان می‌دهد و وسایل ارتباطی دیگر مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه به تنهایی با میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه پرسش شوندگان رابطه‌ای ندارد. البته این

فرض را نیز باید در نظر گرفت که استفاده کنندگان از کتاب و مجله احتمالاً می‌توانند برخوردار و در معرض مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی باشند.

برای اثبات فرضیه رابطه مشارکت و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که در مورد میزان مشارکت (رسمی و غیر رسمی) فرد و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه سطح معنی داری ۰/۰۳۳ به دست آمد و چون این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد قبول یعنی ۰/۰۵ کمتر است در نتیجه فرضیه فوق تأیید می‌شود. متغیر میزان مشارکت با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه رابطه معکوس معنادار را نشان می‌دهد و این بدین معنی است که هر چه میزان مشارکت افراد افزایش می‌یابد، گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه آنها کاهش می‌یابد. در واقع، این تا حدودی تأیید کننده نظریه دانیل لرنر است. هر چند مشارکت اجتماعی خود به نوعی محصول جامعه مدرن است اما با افزایش مشارکت اجتماعی، فرد بیشتر در معرض برخورد با نهادهای اجتماعی، گروه‌ها و افراد قرار می‌گیرد و از امکان بیشتری برای تغییر و نو شدن برخوردار می‌گردد.

## بحث

آزمونهای آماری در این پژوهش رابطه معناداری بین درآمد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه نشان نداده است.

از نظر بررسی عوامل مرتبط با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه بر تأثیر عوامل سن، سطح تحصیلات، نوع شغل، پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد و میزان مشارکت افراد صحنه تجربی می‌گذارد و از بین وسایل ارتباط جمعی نیز تنها استفاده از کتاب و مجله را با گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه مرتبط می‌داند. لازم به ذکر است وسایل ارتباط جمعی از جمله شاخصهایی است که از نظر تأثیر بر میزان نوگرایی، وجه اشتراک عموم اندیشمندان است. ویلر شرام معتقد است که تأثیر وسایل ارتباط جمعی از تحصیلات رسمی سریعتر است و به تمام جمعیت می‌رسد. با توجه به نظر شرام این گونه می‌توان تبیین کرد که افراد با هر میزان سواد و تحصیلات می‌توانند از وسایل ارتباط

جمعی‌ای چون رادیو و تلویزیون استفاده کنند و وسایل ارتباط جمعی در تغییر ارزشها، سنتها، باورها، اعتقادات و طرز فکر افراد جامعه نقش بسزایی دارند. اگر بتوان از طریق وسایل ارتباط جمعی، تغییر و تحول فرهنگی مناسبی را به وجود آورد و جامعه را به سوی ارزشها، اعتقادات و باورهای درست سوق داد، می‌توان نتیجه گرفت که زیربنای توسعه و پیشرفت فرهنگی و اجتماعی فراهم آید که این وظیفه خطیر در درجه نخست برعهده وسایل ارتباط جمعی است.

بنابراین به دنبال عدم پاسخگویی این متغیر در جامعه مورد بررسی بهتر است به ماهیت و محتوای برنامه و برنامه‌ریزی در این بخش توجه شود.

یکی دیگر از دلایل گرایش به باورها، که در این پژوهش حاضر تأیید شده بحث مشارکت اجتماعی است. توسعه، حاصل حرکت جمعی و اجتماعی تک‌تک آحاد جامعه با هر مذهب و نژاد است؛ به عبارت دیگر بدون مشارکت همه جانبه مردم، توسعه امکانپذیر نیست. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میزان مشارکت افراد در فعالیتهای چه در بعد رسمی و چه در بعد غیررسمی، کم، و در برخی موارد بیشترین درصد به گزینه «اصلاً» اختصاص دارد. به اعتقاد میسر احساس مسئولیت از ابتدای عمر به همراه آدم زاده نمی‌شود بلکه محصول نظام اجتماعی‌ای است که انسان در آن زندگی می‌کند و شهروند مسئول، محصول جامعه مسئول است.

در زمینه رابطه درآمد و گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که امروزه اعتبارات بانکی گسترده، تولید انبوه کالاها و خدمات و افزایش روز افزون دستمزدها در بیشتر جوامع نوین، تفاوت سطح درآمد افراد را کاهش داده است. بروس کوئن معتقد است که به دلیل کاهش تفاوت سطح درآمد افراد، نمادهایی که تحت عنوان نماد منزلت، شاخصهای طبقه اجتماعی به شمار می‌رفت، اهمیت و اعتبار پیشین خود را از دست داده است. پس با توجه به این امر نمی‌توان متغیر درآمد را تنها علت در میزان گرایش به باورها مؤثر دانست، بلکه شاخصهای بنیادی دیگری چون شغل و سطح

تحصیلات، که پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد را تعیین می کند، در میزان گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه دخالت دارد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در نوسازی فرد، شهر و شیوه زندگی در شهر و امکاناتی است که از طریق این نوع زیستن- به فرد امکان نوگرا بودن را می دهد- است. طبق چارچوب نظری این پژوهش، شهرها به عنوان مکان هسته‌ای و اصلی در کشورهای در حال توسعه در آنچه انطباق با شیوه‌های جدید، فناوری جدید، فرضهای جدید، الگوهای تولید و نهادهای اجتماعی جدید است، موفقتر هستند. شهر می تواند تأثیر قوی بر بروز فرد نوگرا داشته باشد. اما از دیدگاه برخی صاحب نظران گرچه بسیاری از شهرنشینان به ظاهر هویت شهری دارند به این معنا نیست که صاحب تمدن شهری هم هستند. صاحب نظران، شهرنشینی را متفاوت از تمدن شهری تعریف می کنند

شهرنشینی پدیده‌ای است که در حیطه «رشد»، اما تمدن شهری در حیطه «توسعه» مورد بررسی قرار می گیرد. در تمدن شهری هم چنانکه مردم همواره احساس عمیقتر درباره چگونگی ظاهر شهرهای خود دارند به همان اندازه هم به ابعاد مختلف توسعه می اندیشند. نکته مهمتر در مورد شهرنشینی این است که گونه‌های فرهنگی و شیوه‌های زیست شهری بشدت در روستاها رایج شده است و ورود گسترده روستاییان به شهرها در عین حفظ بخش بزرگی از باورها، روشها و شیوه‌های زیستی روستایی در شهر به آنها امکان داد که شهرها را دگرگون کنند و گاه شهرهای روستایی پدید آورند. بنابراین شهرنشینی صرف حضور فیزیکی در شهر نیست بلکه خود پدیده‌ای است که قواعد خاص خود را می طلبد.

در نتیجه این گونه می توان گفت که شاخصهای تأیید شده سن، سطح تحصیلات، نوع شغل، پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد و میزان مشارکت از لحاظ پیش بینی و برنامه ریزی قابل تأمل است. از سوی دیگر با توجه به اینکه شاخصهای درآمد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی از ویژگیهایی است که مورد توافق اندیشمندان توسعه در زمینه میزان

گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه فرد است، عدم رابطه آنها در این پژوهش قابل تأمل است.

### پیشنهادها

- ۱- داده‌های این تحقیق حاکی است که شمار باورهای منفی به حال توسعه و پیشرفت تقریباً زیاد است. البته برای تعمیم این نتیجه به کل فرهنگ مورد مطالعه، تحقیق و تفحص بیشتر در سایر جوانب این حوزه ضروری است.
- ۲- گسترش و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت بین افراد از طریق خانواده به عنوان یکی از کاراترین نهادهای اجتماعی و تأثیرگذار در این زمینه و همچنین نهادهای آموزشی و فرهنگی
- ۳- به دنبال نهادینه نمودن فرهنگ مشارکت، اگر برنامه تحولات آینده با شرکت وسیع گروه‌های مختلف اجتماعی تدوین شود، مردم فعالانه‌تر در اجرای آن شرکت خواهند جست و محدودیتها و دشواریها را در راه اهداف آن تحمل خواهند کرد.
- ۴- استقرار وضعیت مطلوب به منظور بسترسازی توسعه از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب در دروس و کتابهای آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش
- ۵- تبلیغ و گسترش فرهنگ زیربنای توسعه و پیشرفت با توجه به آیین و فرهنگ جامعه توسط وسایل ارتباط جمعی
- ۶- بررسی و شناخت دقیق و علمی فرهنگ مناسب توسعه و نیز فرهنگ و هویت بومی و در نتیجه اصلاح نگرش و بینشهای مانع توسعه

## منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹)، جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات کلمه، ۱۱۵-۱۰۸.
- ابراهیمی، محمدمامیر و محمد حسین پاپلی یزدی (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۹۶.
- اسماعیلی، پیمان (۱۳۸۲)، بررسی و مقایسه جایگاه ارزشهای دینی در سلسله مراتب ارزشها و رابطه آن با ارزشهای سازگار با توسعه در بین دو گروه دانشجویان و طلاب، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۵۱.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم (ترجمه غلامعلی فرجادی)، تهران، (۱۳۸۱)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۲۳.
- ژیرار، آگوستین (۱۳۷۲)، توسعه فرهنگی تجارب و خط مشیها، (ترجمه عبدالحمید زرین قلم، پروانه سپرده و علیهاشمی گیلانی)، تهران، (۱۳۷۸)، مرکز پژوهشهای بنیادی، ۲۴۹.
- نراقی، یوسف (۱۳۸۰)، توسعه کشورهای توسعه نیافته، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۵۸.
- Inkeles , Alex.(1974)."The School as a Context for Modernization,"  
<http://cos.sagepub.com>.
- Riddle, M.Elizabeth.(1999). Lev Vygotsky's Social Development Theory  
,<http://chd.gmu.edu/immersion/knowledgebase/theorists/constructivism/vygotsky.htm>